

در اواخر قرن نوزدهم تماس اعراب با کشورهای اروپایی و تا حدودی با آمریکا بیشتر شد و همین نزدیکی علاقه‌ی شدید مردم را نسبت به پیشرفت‌های تکنیکی غرب برانگیخت. تشدید این علاقه در سالهای پس از جنگ نسر و ترجمه مقالاتی درباره‌ی سینما را در مصر سوریه بدنبال داشت. در پی چنین اوضاعی در سالهای ۱۱- ۱۹۰۴ شخصی بنام "پاته" اولین سری فیلم‌های صامت را به مصر آورد که بشدت مورد توجه مردم قرار گرفت، تا آنجا که در سال ۱۹۰۸ در شهرهای اسکندریه، پورت سعید و اسماعیلیه حداقل هفته‌ای دوبار فیلم‌های کوتاهی به روی پرده می‌آمد. علاوه بر این در آن زمان سپاهیان ناظر ملل متحد در نزدیکی مصر پایگاه داشتند و معمول بود که برای سرگرمی این عده فیلم‌هایی را به مصر وارد کنند. حاصل آنکه ورود چنین فیلم‌هایی باعث تاسیس تعداد قابل توجهی سالن سینما در مصر شد. آنچنانکه می‌توان گفت، یکی از عللی که مصر را به مرکز صنعت فیلم عرب مبدل ساخت، وجود همین فیلم‌های وارداتی بود.

سال‌های پس از جنگ

مصریان را باید از جمله اولین مردم عرب زبان محسوب کرد که از سال ۱۹۱۷ یعنی در اوج جنگ به صنعت فیلمسازی روی آوردند. در پی این آغاز، در اسکندریه فیلم‌های صامت کوتاهی ساخته شده و به نمایش درآمدند. اولین فیلم بلند و صامت مصری نیز در این سالها با نام "چرا دریا می‌خندد؟" ساخته شد. این فیلم، فیلمی کم‌دی بود و علی‌الناصر کم‌دین معروف در آن بازی می‌کرد. موفقیت این فیلم اذهان عمومی را بشدت به سینما متوجه ساخت و کلوب‌های سینمایی بر اثر آن یکی پس از دیگری پا گرفتند و اعضای آن به بحث برتری تکنیک بازیگری در سینما نشستند. این کلوب‌ها گاهی انتشاراتی هم داشتند که علیرغم عمر کوتاه‌شان به بررسی مشکلات فیلم‌سازی بطور کلی و در سطح محلی می‌پرداختند. که از آن جمله می‌توان از "روایات سینما" نام برد. این نشریات بعداً جای خود را به جراید متکاملتری چون: "دنیای هنر، سینما، نوول و سینما" دادند. در سال ۱۹۲۵ فعالیت‌های سینمایی بگونه‌ی جدی‌تر مورد توجه قرار گرفت و توسط متخصصان خارجی و بویژه آمریکایی‌ها برنامه‌ریزی شد. نتیجه‌ی این بذل توجه به سینما تولید چهار فیلم بود که پس از دو سال به بازار عرضه شد. اولین



نوشته‌ی: جاکوب م.
برگردان و تلخیص: گیتی ادهم

تاریخچه سینمای عرب (مصر)

سینمای محلی رغم سابقه‌ی کمی که نسبت به تاتر دارد، در میان توده‌های عرب کشورهای خاور نزدیک و شمال آفریقا از اقبال فراوان برخوردار بوده است. یک جهانگرد انگلیسی که در اواسط قرن نوزدهم از مصر دیدن کرده است، در باره‌ی واکنش مردم نسبت به سینما می‌نویسد:

"زمانیکه در سال ۱۹۵۳ از مصر دیدن می‌کردم، فانوس شعبده‌بازی با خود داشتم که بشدت مورد توجه اعراب قرار گرفته بود. تا آنجا که یک روز بعد از ظهر در خانه‌ی شخصی بنام آقا مصطفی که نماینده‌ی مشاور ما در مصر بود گروه زیادی برای دیدن فانوس شعبده‌بازی من آمده بودند و در میان آنها حضور شخصیت‌هایی چون حاکم محلی، دو یا سه شیخ، مدیران مدارس و... جلب توجه می‌کرد..."

و بهترین این فیلم ها (Traila) " لایلا " نام داشت و هنرپیشه معروف " عزیز امیر " در آن بازی می کرد . بدنبال این فیلم برادران " لاما " فیلمی به نام " بوسه در صحرا " را به بازار عرضه داشتند که موفقیت چشمگیری آن " یوسف واهبی " هنرپیشه سرشناس تئاتر را بر آن داشت تا فیلم با صدای " بچه های طبقه ی بالا " را بسازد . با ساخته شدن این فیلم موفقیت دیگر فیلم های با صدا در سراسر سرزمین های عربی تضمین شد .

در سال ۱۹۳۴ بزرگترین کمپانی فیلم عرب با عنوان " استودیو مصر " در حومه ی شهر " کی رو " (Cairo) تاسیس شد و بدین ترتیب راه برای گسترش سینما در کشورهای عربی هموار گشت و سالن های سینمایی متعددی در شهرهای مختلف پی ریزخته شد . تا آنجا که در مصر که در سال ۱۹۲۹ بنا به گزارش یک مستشار امریکایی بیش از ۵۰ سالن سینما وجود نداشت در سال ۱۹۵۲ ، ۳۱۵ سالن سینما ساخته شد و آمار سالانه ی تماشاگران سینما از ۱۲ میلیون نفر در سال ۱۹۳۸ به بیش از ۹۲ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ بالغ شد . در تبیین این موفقیت چشمگیر باید در عین در نظر داشتن انطباق محتوای فیلم ها با سلیقه ی مردم و کاربرد موسیقی در آن ، نقش حکومت را نیز از نظر دور نداشت .

در مصر حکومت به سینما توجه مخصوص دارد و سینما یکی از منابع درآمد آن از طریق مالیات های غیر مستقیم و نیز ماشین تبلیغاتی آن است ، امروزه در مصر شورایی بنام شورای صنعت سینما وجود دارد که عضویت وزارت ارشاد ملی را داراست و اعضای اش از نمایندگان استودیوهای فیلمبرداری ، تولید کنندگان و صاحبان سالن های بزرگ نمایش انتخاب شده اند . فعالیت این شورا در جهت هماهنگ کردن شاخه های مختلف صنعت فیلمسازی و تحولات آن ، صادرات فیلم های مصری ، واگذاری سرمایه های خارجی ، و دوبله ی فیلم های خارجی به زبان عربی است . توسعه ی دایره ی فعالیت این شورا در جهت تماس با موسسات مشابه خارجی برای توزیع فیلم های مصری ، باعث شده تا بسیاری از این گونه فیلم ها در عراق ، سوریه لبنان ، اردن ، افریقای شمالی ، ایران^۱ ، برزیل و ... به نمایش در آید .

۱ - در سال ۱۹۵۱ بین سفیر مصر در تهران و وزیر امور خارجه ی ایران یک برخورد دیپلماتیک جدی روی داد و سفیر مصر طی آن به عمل اداره ی سانسور فیلم ایران در مورد توزیع فیلم های مصری در سینماهای درجه ی دو پایتخت اعتراض

در سال ۱۹۳۶ یعنی چهار سال پس از اینکه بی ینال بین المللی هنر ، سینما را به عنوان هنر ، شناخت ، مصر اولین کشور عربی بود که با فیلم داستانی " و داد " در فستیوال فیلم ونیز شرکت کرد و یکسال بعد نیز فیلمی مستند از سفر حج را به این فستیوال روانه داشت . چه دولت مصر به خاطر منافع تجارتي خارجی و حیثیت ملی که از طریق فیلم نصیب آن می شود از شرکت فیلم های مصری در فستیوال های بین المللی از جمله کان ، ونیز ، برلین و دهلی نو حمایت می کند و مدتی نیز در محافل غیر رسمی صحبت بر آن بود تا یکی از فستیوال های بین المللی فیلم در مصر برگزار شود .

علاوه بر این دولت در سیاست حمایت از سینما رقمی را هم به عنوان جایزه برای سه فیلم از بهترین فیلم های سال در نظر گرفته بود که در بودجه ی وزارت امور اجتماعی مصر در سال ۱۹۵۱ مقدار آن حدود چهار هزار پوند بود . کمک اقتصادی دولت در عین حال میدان وسیعی را برای نظارت و سرپرستی نزدیک دولت در فیلمسازی باز می گذارد که این نظارت خود شاهد بر جریانات پشت پرده ی زندگی روزمره ی دول عربی است . نظارت دولت در این حالت تنها به نظارت سیاسی و اجتماعی یعنی به متوقف کردن آنچه به نظر دولت مضر و یا تبلیغات خطرناک (کمونیسم) است ، خلاصه نمی شود و این نظارت گاهی نظارت مذهبی است .

نفوذ مذهب اسلام در میان اعراب و سرزمین های عربی تبلیغاتی وسیع بر علیه سینما و تاثیرات مخرب آن بر اخلاقیات توده ها را بدنبال داشته است . تا آنجا که در سال ۲۷ - ۱۹۲۶ تعدادی از بلند پایگان مذهبی دانشگاه " الازهر " با شروع کار سینمای عرب در مصر مخالفت ورزیدند و در سال ۱۹۳۰ ، " جامعه ی جوانان مسلمان " ، مصر نسبت به اقدام یک کمپانی خارجی در مورد تهیه ی فیلمی از زندگی محمد (ص) و خلفای راشدین (در این کشور) بشدت به نخست وزیر و مطبوعات مصر اعتراض کرد . چند سالی پس از این تاریخ نیز مشاوران اسلامی مصر خواهان نظارت و سانسور شدید تر دولت در قبال فیلم های عشقی شدند .

نظیر چنین تقاضاهایی از جانب دیگر سازمانهای اسلامی غیر مصری نیز عنوان شده است چنانکه در سوریه زنان مسلمان را از شرکت در فیلم ها بر حذر داشتند و حتی در دمشق جامعه ای به نام " جامعه ی انصاران تقوا " از وزیر امور داخلی

تقاضا کردند از ورود زنان به سالن های سینما جلوگیری کرده و از لحاظ اخلاقی سانسور شدیدتری را در مورد فیلم ها اعمال کند. تقاضاهای مشابه دیگری هم در این زمینه وجود داشته که خواهان سانسور صحنه هایی بوده است که در آن دختران لباس پوشیده به تن نداشته و یا صرف مشروبات الکلی در آن نشان داده شده است. بدنبال چنین تحدیدهایی در سال ۱۹۵۲ "کنگره ی اسلام دوستان" که در کراچی برپا شده بود، مصرانه از دول کشورهای اسلامی خواست تا در همه ی سالن های سینمایی خود را ببندند. اخیراً نیز شورای علمای مسلمان شهر باستانی اورشلیم دولت اردن را تحت فشار قرار داده تا رفتن به بعضی از فیلم ها اساساً منع شده و بقیه از نقطه نظر اخلاقیات اسلامی بشدت سانسور گردند.

با توجه به این عوامل باید گفت دولت مصر نیز به سبب اجتناب از ایجاد زمینه ی نارضایی در گروه های مذهبی افراطی چون "برادران مسلمان" همواره نسبت به عمل سانسور عنایت خاص داشته است تا آنجا که در پی چنین سیاستی، دولت به صحنه هایی از یک فیلم به نام "دختر همسایه، که اتاق خواب دختری را نشان میداد و دیالوگ آن قدری شهوانی بود اجازه نمایش نداد و یا یک فیلم مستند در باره ی سودان پس از یک هفته اکران، به سبب نمایش صحنه هایی از زندگی قبایل برهنه، از سینماها جمع شد. واضح است که دامنه ی سانسور گریبان دیگر فیلم های خارجی را هم می گیرد، لکن، آنچه مهم است بخدمت درآمدن سانسور در جهت اهداف خصوصی شاهان و وزراء و قدرتمندان سیاسی است. مثلاً "در زمان ملک فاروق فیلم، "مسمار جوها"، از آنجا که طبقه ی حاکمه را هجو می کرد ماه ها اجازه ی نمایش نیافت.

نظام حکومتی جدید مصر که در ۲۳ جولای ۱۹۵۲ به یاری نیروهای مسلح رسماً قدرت را بدست گرفت بهیچ روی قدرت سانسور را از دست نداد. جز اینکه کمند نظارت وزارت فرهنگ را بر نمایش نامه های مدارس محکم کرد و سانسور همهی فیلم ها را به وزارت ارشاد ملی سپرد. تا آنجا که از یک سری فیلم که تعدادی از زیر دست سانسور چیان رژیم قبلی گذشته بود، بقیه را اداره ی سانسور جدید ممنوع نمایش اعلام داشت، چه در یکی از آنها تصادفاً می توانستی عکس فاروق را که در صدر یک دادگاه نصب کرده بودند ببینی. دیگر اینکه دولت جدید نه تنها

سانسور جاندارتری را دوباره ی برای موضوعات سیاسی وضع کرد، بلکه توجه عمده ی خود را به فیلم های هجایی - که برای همه ی دیکتاتوری های نظامی خطرناک است - معطوف داشت، و علاوه بر الغاء کلیه ی اجازه نامه های شاه سابق در مورد نمایش فیلم ها، اهداف خود را نیز در سانسور آنها دخالت دارد.

از یاد نبریم که امر سانسور بطور ضمنی گریبان منتقدان سینمایی را هم گرفت. چه سینمای عرب هم چون فعالیت های تاری طبعاً دارای نشریاتی است، لکن تعداد نشریات روزانه، هفتگی و ماهنامه ی سینمایی در مصر، لبنان، سوریه یا عراق انگشت شمار است با این حال هیچیک از این نشریات وحتى جراید مذهبی کلاً منکر هستی سینما نشده اند. لکن عمده ی مطالب آنها را نقد فیلم و طرح مشکلات فیلم سازی بطور کلی تشکیل میدهند و کمتر به تفکر درباره ی سانسور دولتی می پردازند. تنها معدودی از این جراید معتقدند که حالا که نمی توان سانسور را حذف کرد لااقل باید آنرا بر اساس پدیده های سازنده ی هنری بنا نهاد، با این حال نقد سینمایی، اغلب نقد داستان فیلم است و آنهم بیشتر از جنبه ی ادبی مطرح است تا دراماتیک. تا آنجا که گاهی این نقدها مسخره جلوه می کند. بهر حال توجه به نظر محمد مصطفی در هفته نامه ی "الصبا" می تواند گویای اوضاع نقادی این مجلات باشد. وی در باره ی نقد فیلم توجه به نکات زیر را ضروری می داند:

- ۱- موضوع فیلم چیست ؟
- ۲- نتیجه ی اخلاقی آن کدامست ؟
- ۳- چه سودی از آن نصیب مردم می شود ؟
- ۴- تا چه حد سرگرم کننده است ؟
- ۵- کار برد آهنگ های جدید در آن تا چه حد است ؟
- ۶- داستان فیلم چیست ؟
- ۷- آوازهای فیلم چه شده اند ؟

بهر تقدیر تماشاگران عرب شهری یا روستایی تنها به دو سؤال آخر یعنی داستان و موسیقی فیلم توجه دارند و در این مورد احساساتشان را هنگام نمایش فیلم با فریاد و دست زدن آزادانه ابراز می دارند. در عین حال بد نیست بدانید که به علت عدم استقبال تماشاگران از فیلم های خارجی تعداد اینگونه فیلم هارا

از ۵۱۸ فیلم سال ۱۹۴۸ در سال ۱۹۵۰ به ۳۵۰ فیلم در سال رسید و مثلاً " فیلم
" لایم لایت" چارلی چاپلین فقط سه روز در سینماهای اردن به روی پرده بود .
در خاتمه بررسی تحول سینمای عرب (مصر) را می توان در شرح ویژه گی های
زیر خلاصه کرد :

۱ - گرچه سینما بسیار دیرتر از تئاتر آغاز به کار کرد ، امروزه بخصوص در مصر
از پیشرفت و تحول قابل ملاحظه ای برخوردار است .

۲ - تحول سینما به علت فقدان قوه ی ابتکار و اتکاء به گیشه بیش از آنکه
کیفی باشد کمی بوده است .

۳ - علیرغم حمایت ناکافی حکومت از سینما ، سانسور نظامی ، سیاسی و اخلاقی
شدیدی در مورد فیلم ها اعمال می شود که تا حدودی تحت فشارهای اجتماعی و
مذهبی است .

۴ - نقد فیلم عمدتاً " در مورد داستان فیلم است و کمتر به مشکلات مبتلا
به سینما از نظر هنری و تکنیکی می پردازد و همین نقد هم در نهایت بدست با-
سوادها می رسد و توده ها از آن محرومند .

۵ - تماشگران اغلب فیلم های عربی را ترجیح می دهند و شهری و روستایی
به فیلم های حزن آور اجتماعی که چاشنی موسیقی هم به آن اضافه شده باشد
علاقه مندند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی